

Reading the Possible World of the Text in the Translation of Two Novels "Al-Aswad Yaliqo Bek" and "Mamlekat Al-Ghoraba" Based on Umberto Eco's Theory



Maryam Shafaghi  0000-0003-0244-0651

Department of Russian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.

Email: a.ganjali@hsu.ac.ir

ABSTRACT

The subject of the present research, with a semantic and color-based approach, is the examination of the classification of fixed adjectival compounds in collocation with melancholic emotions in the Russian verbal context. The basis of the study in these emotions consists of the two nouns грусть (sorrow and sadness) and печаль (grief and melancholy). The aim is to investigate the grammatical category of the adjective in accompaniment with the noun and to present a semantic classification for it, considering the emotional and affective load conveyed. In this classification, various parameters including semiotics and cognitive psychology are considered through semantic components such as temperature (warm, burning, cold, etc.), taste (spicy, bitter, and sweet), and color (white and black, gray, purple, sky blue, blue, brown, etc.). Colors derived from nature, such as пепельный (gray – derived from the ash of someone/something), and the dark and light spectrums of these colors play a significant role in the formation of these meanings. The goal of this research is to understand how Russian speakers' culture and mentality are reflected in expressing emotional and affective concepts, and their role in the formation of metaphors and idioms related to sorrow, sadness, and grief in noun and adjective compounds. The findings of this study can be beneficial for various groups such as linguists, translators of source and target languages (Russian and Persian), language psychologists, and Russian language instructors for Persian speakers, especially in the field of translation. Furthermore, this study, in a separate section, addresses the educational and translational applications of the findings to facilitate their practical use in language teaching environments and translation activities.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 27 May 2025

Received in revised form:
14 September 2025

Accepted: 20 September
2025

Available online:
Autumn 2025

Keywords:

Color Semiotics, Sorrow and Sadness, Grief, Semantic Analysis, Metaphor and Idiom, Melancholic Emotions, Russian Verbal Culture, Translation

Shafaghi, M. (2025). Semantic classification of adjective combinations expressing boring emotions in the Russian verbal environment. *Journal of Foreign Language Research*, 15(2), 245-260. <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.398491.1229>.



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.398491.1229>.

طبقه‌بندی معناشناختی ترکیبات صفتی بیانگر احساسات ملال‌آور در محیط کلامی روسی

مریم شفق* ✉

گروه زبان و ادبیات روسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: shafaghi@atu.ac.ir



چکیده

موضوع پژوهش حاضر با رویکرد معناشناختی و رنگ‌پژوهی، بررسی طبقه‌بندی ترکیبات صفتی ثابت در همنشینی با احساسات ملال‌آور در محیط کلامی روسی است. مبنای پژوهش در این احساسات دو اسم **грусть** (غم و اندوه) و **печаль** (حزن و ملال) هستند. هدف، بررسی قسم دستوری صفت در همراهی با اسم و ارائه طبقه‌بندی معنایی برای آن با توجه به بار عاطفی و احساسی منتقل‌شده است. در این طبقه‌بندی، پارامترهای گوناگونی از جمله نمادشناسی و روان‌شناسی‌شناختی به کمک مؤلفه‌های معنایی چون، دما (گرم، سوزان، سرد و...)، طعم (تند، تلخ و شیرین) و رنگ (سفید و سیاه، خاکستری، بنفش، آبی آسمانی، آبی، قهوه‌ای و...) مورد توجه قرار گرفته است. رنگ‌های برگرفته از طبیعت چون **пепельный** (خاکستری - برگرفته از خاکستر کسی/چیزی) و طیف‌های تیره و روشن این رنگ‌ها در شکل‌گیری این معانی اهمیت بالایی دارند. هدف این تحقیق، فهم چگونگی بازتاب فرهنگ و ذهنیت گویشوران روس در بیان مفاهیم احساسی و عاطفی و نقش آن‌ها در شکل‌گیری استعاره‌ها و کنایه‌های مربوط به غم، اندوه و حزن در ترکیب‌های اسمی و صفتی است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای گروه‌های مختلفی همچون زبان‌شناسان، مترجمان زبان‌های مبدأ و مقصد روسی و فارسی، روان‌شناسان زبان، آموزگاران زبان روسی به فارسی‌زبانان به‌ویژه در حوزه ترجمه سودمند باشد. همچنین، این مطالعه در بخشی مجزا به کاربردهای آموزشی و ترجمه‌ای یافته‌ها می‌پردازد تا بهره‌گیری عملی آن‌ها در محیط‌های آموزش زبان و فعالیت‌های ترجمه‌ای آسان شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹
تاریخ انتشار: پاییز ۱۴۰۴
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

نمادشناسی رنگ، غم و اندوه، حزن، تحلیل معناشناختی، استعاره و کنایه، احساسات ملال‌آور، فرهنگ کلامی روسی، ترجمه.

شفقی، مریم. (۱۴۰۴). طبقه‌بندی معناشناختی ترکیبات صفتی بیانگر احساسات ملال‌آور در محیط کلامی روسی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۵ (۲)، ۲۴۵-۲۶۰.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.398491.1229>.



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.398491.1229>.

بیان احساسات از محورهای امروزی علاقمندی‌های زبان‌شناسان گشته است. از آنجاکه این دست پژوهش‌ها جدید می‌نماید، برون‌داد آن نیز محدود به بررسی در چند واژه و ساختار نحوی محدود بوده است (Васенко, 2024: 75). پژوهش در واژگان احساسی و عاطفی در حال حاضر یکی از پویاترین شاخه‌ها در زبان‌شناسی به شمار می‌رود، چراکه هیجانات، ذهنیت و طرز فکر یک ملت مشخص را بازتاب می‌دهد و در شکل‌دهی به تصویر زبانی جهان نقش دارد (Дронова, 2018: 118). آنا وژیبتسکایا - زبان‌شناس شهیر روس - بر نقش بسزای واژگان судьба (سرنوشت)، душа (روح و جان) و тоска (دل‌تنگی) در شکل‌گیری ذهنیت روسی تأکید دارد. مفاهیم محوری مرتبط با دل‌نگرانی‌های احساسی و روان‌شناختی بشر که نتیجه دردها و رنجش‌های روحی است، در فرهنگ کلامی روسی به کمک واژگان грусть (غم و اندوه)، печаль (حزن و ملال)، тоска (دل‌تنگی)، скорбь (سوگواری) و скука (ملال و بی‌حوصلگی) منتقل می‌شوند. هر یک از این مفاهیم دربردارنده ذخیره واژگانی وابسته به خود هستند و نظام ابزار زبانی وابسته به خود را می‌پذیرند. روشن است وابستگی این مفاهیم به ذهنیت و سنت‌های ملی فرهنگی هر قوم و ملیتی موجب ساخت گروه ثابتی از اصطلاحات، عبارت‌های زبانی و ضرب‌المثل می‌شود که نمایانگر بافت فرهنگی گویشوران آن زبان است. مخاطبان این پژوهش شامل زبان‌شناسان، مترجمان روسی و فارسی، روان‌شناسان زبان، آموزگاران زبان روسی و زبان‌آموزان فارسی‌زبان هستند که می‌توانند از نتایج این تحقیق در حوزه‌های آموزشی، پژوهشی و ترجمه‌ای بهره ببرند.

موضوع پژوهش حاضر، تحقیق و عمیق شدن در ترکیبات اسمی و صفتی با مفهوم احساسات ملال‌آور است. اسم‌های این ترکیبات اسمی و صفتی عبارتند از грусть (غم و اندوه) и печаль (حزن و ملال). در آغاز به تحلیل معناشناختی در تفاوت‌های پی‌رنگ‌های معنایی میان این دو اسم پرداخته‌ایم تا در آغاز تمایز معنایی و کاربردشناختی میان آن دو روشن گردد و در این مسیر، به‌طور ضمنی به تمایز معانی اولیه و ثانویه یا مجازی نیز پرداخته‌ایم، چراکه این تمایز برای درک عمیق‌تر کاربردهای استعاری و معنایی در ترکیبات بررسی‌شده ضروری است. مواد زبانی پژوهش پیش‌رو از «پیکره ملی زبان روسی»

استخراج گشته است. با عمیق شدن در معنای ترکیبات به‌دست‌آمده، طبقه‌بندی با محوریت معنای این ترکیب‌ها بر پایه طعم، دما، رنگ، رنگ‌های برگرفته از طبیعت و طیف‌های رنگی تیره و روشن ارائه شده است. هدف از پژوهش حاضر دریافتن چگونگی بازتاب فرهنگ و ذهنیت گویشوران روس در بیان احساسات ملال‌آور به کمک استعاره‌ها و کنایه‌های اسمی و صفتی است و هم‌زمان، ارائه چهارچوبی کاربردی برای استفاده از این یافته‌ها در آموزش زبان روسی و ترجمه میان‌زبانی نیز مدنظر قرار گرفته است. پژوهش حاضر حول محور یک پرسش می‌چرخد: چگونگی ارائه طبقه‌بندی معناشناختی و رنگ‌پردازی برای ترکیبات اسمی و صفتی احساسات ملال‌آور با دو اسم مورد بررسی. دقیق‌ترین و عمیق‌ترین طبقه‌بندی که تاکنون زبان‌شناسان روس در توضیح این احساسات ارائه کرده‌اند محدود می‌شود به مقاله و.و. کالیسوف با عنوان «غم و دل‌تنگی در فهم زبانی روسی»^۱ (Колесов, 2017: 5-13). در این طبقه‌بندی در چهار گروه اصلی معنایی غم و اندوه / حزن و ملال معمولی، عمیق، دارای شدت، و بسته به طول مدت غلبه احساسات قرار گرفته‌اند. نوآوری پژوهش حاضر در ارائه دسته‌بندی عناوین زیرگروه در این طبقه‌بندی با توجه به رویکرد معناشناختی و دستور زبان است. کوشیده‌ایم ترکیبات ثابت زبانی را با توجه به معیار معنا در طبقه‌بندی کالیسوف مرتب سازیم و طبقه‌بندی بزرگ معنایی او را ظریف‌تر و شفاف‌تر سازیم. بخش مهمی از پژوهش حاضر به رنگ‌پژوهی طیف‌های رنگی همراه با احساسات ملال‌آور اختصاص دارد و از هر نظر جامع‌تر از تحقیقات صورت گرفته پیشین است.

۲- پیشینه پژوهش

اصغر قدرتی نیز در نگاشته‌ای علمی به بررسی مؤلفه‌های معناشناختی مفهوم «نوستالژی» در فرهنگ کلامی، از جمله روسی می‌پردازد (قدرتی، ۱۴۰۳: ۲۱۹-۲۳۳). مرادی و رحمانی در مقاله «بررسی رابطه متقابل زبان و فرهنگ با استفاده از فرضیه نسبیت زبان‌شناختی» با تکیه بر رویکردهای علوم شناختی و روش مطالعه کتابخانه‌ای، به تحلیل پیوند دوسویه زبان و فرهنگ پرداخته‌اند. آنان زبان را هم ابزار انتقال فرهنگ و هم بخشی از خود فرهنگ می‌دانند و نتیجه می‌گیرند که این دو پدیده جدانشدنی بوده و هر یک در شکل‌گیری و تحول دیگری نقش اساسی دارد (مرادی، رحمانی، ۱۳۹۵: ۲۳۷-۲۴۷).

۲۵۸). خاریتونچیک در مقاله «گنجینه‌های معنایی کلمات روسی» با بررسی جامع گروه‌های واژگانی - معنایی واژگان (از نام‌های خویشاوندی و مشاغل گرفته تا جانوران و القاب) نشان می‌دهد که دامنه معنایی بسیاری از این واحدها فراتر از تعریف‌های محدود فرهنگ‌نامه‌ای است و لایه‌هایی از ویژگی‌های ادراکی، رفتاری و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. این رویکرد، با اتکا بر داده‌های پیکره ملی زبان روسی، می‌تواند برای مقاله ما زمینه‌ساز باشد، زیرا الگویی نظری و روش‌شناختی فراهم می‌آورد که در آن ظرفیت‌های پنهان معنا و پیوندشان با بافت فرهنگی و عاطفی زبان آشکار می‌شود. (Харитончик, 2023: 107-125)

تنها تحقیقاتی که به طبقه‌بندی منسجم معناشناختی احساسات ملال‌آور (غم و اندوه) و (حزن / ملال) می‌پردازد، مقاله کالیسوف است با عنوان «اندوه - دل‌تنگی در فهم زبانی روسی». در آن نگاشته، وی طبقه‌بندی معنایی از ترکیبات اسمی و صفتی ارائه داده است که بسیار کلی است و شامل فهرست گسترده‌ای از صفات مختلف در همراهی با این اسم‌ها است. این طبقه‌بندی چهار گروه اصلی معنای معمولی، عمیق، شدید و طولانی را در بر می‌گیرد (Колесов, 2017: 5-13). با وجود دقت و ارزش علمی، این طبقه‌بندی از منظر سبک‌شناسی متنی تفکیک نشده و کارکردهای ترکیبات صفتی در سبک‌های گوناگون (ادبی، مطبوعاتی، محاوره‌ای و ...) در آن مشخص نشده است؛ موضوعی که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار خواهد گرفت.

برخی از پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه رنگ‌پردازی به ترتیب در زبان و ادبیات روسی عبارتند از: ی.ی. استفانسکی، «مفهوم‌سازی احساسات منفی در ذهنیت اسطوره‌ای و زبانی معاصر (براساس داده‌های زبان‌های روسی، لهستانی و چک)» (Стефанский, 2009)؛ آ. ا. واسینکو، «تعیین میزان وضعیت عاطفی گوینده بر اساس پارامترهای گفتار در حال بیان» (Васенко, 2024: 82)؛ پ. آ. فلورنسکی، (Флоренский, 1993)؛ ن. م. دیمیتریووا و ی. و. شِلگونوا، «محتوای معنایی مفهوم «حزن» در رمان «دکتر ژیاگو» اثر بوریس پاسترناک» (Дмитриева, Щелгунова, 2021)؛ آ. ن. فدورینچیک، «بعد ارزشی مفاهیم «اندوه»، «حزن» و «ترس» در شعر بوریس پاسترناک و والری بریوسوف» (Федоринчик, 2019: 118-122)؛ ی. یو.

وارابیووا، «ادراک رنگ به‌عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری عاطفی» (Воробьева, 2021: 54-59)؛ ا. ن. اُلخووا، «ویژگی‌های واژگان رنگی در آثار ادبی ایرینا مورایووا» (Ольхова, 2019: 138-142)؛ ای. و. کوچیتووا، «نمادپردازی رنگ به‌مثابه بازتابی از روش خلاقانه آندری بیللی و خودآگاهی فرازبانی او» (Кочетова, 2010: 104)؛ و. و. زوبچینکو، «کارکردهای هیجانی واژگان رنگ در توصیف‌های منظره‌گونه م. آ. ولوشین» (Зубченко, 2025: 1944). مریم شفق در مقاله‌ای با عنوان «میدان معنایی احساسات دال بر حالات عاطفی اندوهگین / غمگین» به بررسی واژگان اکسپرسیو زبان روسی مانند *тоска*، *печаль*، *грусть* و دیگر مفاهیم مرتبط با حالات عاطفی منفی و غم‌انگیز پرداخته است. این مطالعه با محوریت تفاوت‌های معنایی، شدت احساس، ویژگی‌های دستوری و سبکی این واژگان انجام گرفته است و نقش آن‌ها را در بیان احساسات منفی مورد شناسایی قرار داده است (Шафаги, 2025: 131-148). با این حال، در هیچ‌یک از آثار فوق، ارتباط نظام‌مند رنگ‌پردازی با طبقه‌بندی معناشناختی احساسات ملال‌آور به شیوه‌ای که در پژوهش حاضر ارائه شده، بررسی نشده است.

۳- روش تحقیق

رنگ‌ها در زبان ما دربردارنده مفهومی غنی از احساسات هستند. به‌ویژه در بیان هیجانات منفی چون دل‌تنگی، غم و اندوه و حزن، استعاره‌های به‌کارگرفته‌شده در طیفی رنگی، از نقشی کلیدی و محوری برخوردارند. پژوهش در این دست استعارات از دو جنبه حائز اهمیت است: نخست، بررسی سازوکار روان‌شناختی چگونگی شکل‌گیری پیوند میان رنگ و احساسات، و دیگر، تحلیل زبان‌شناختی بسترهای فرهنگی و اجتماعی که این استعاره‌ها در آن تولید می‌شوند. در این چهارچوب، تمایز میان معانی اولیه و معانی ثانویه یا مجازی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، چراکه در بسیاری از ترکیبات رنگی، معنا از سطح مستقیم به سطوح استعاری و نمادین منتقل می‌شود. با تمرکز بر نمونه‌های گفتاری موجود، این پژوهش تحلیل معناشناختی و بررسی رنگ‌ها در القای فضای عاطفی را مدنظر دارد؛ همچنین در تبیین فرهنگی، به واکاوی نمادهای فرهنگی و اجتماعی در این‌گونه استعاره‌ها می‌پردازد. تأثیر فرهنگ بر این مفاهیم بسزا است و نقش آن در آموزش زبان نیز بی‌نهایت است و می‌تواند در حوزه آموزش زبان روسی و

ترجمه میان‌زبانی، ابزار کارآمدی برای غنای واژگانی و درک لایه‌های معنایی متن فراهم آورد (بنگرید به: **صادقی سهل‌آباد، ۱۴۰۰: ۳۱۰-۲۹۶**).

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. داده‌های زبانی موردنیاز از طریق جست‌وجو و استخراج از «پیکره ملی زبان روسی»^[۱] جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش، ترکیبات اسم و صفت است که در حوزه‌های دما (گرمایی، سرمایی)، طعم (شیرین، تلخ، غیره)، رنگ‌پژوهی و انواع تناژهای رنگی مشاهده می‌شوند. داده‌های استخراج‌شده بر اساس معیارهای معنایی، کارکردی و سبکی تفسیر شده‌اند و در طبقه‌بندی سبک‌شناختی، کارکرد ترکیبات در سبک‌های متنی مختلف (ادبی، مطبوعاتی، محاوره‌ای و ...) نیز در نظر گرفته شده است. این داده‌ها برای دستیابی به تعبیر درست استعاره‌های کاربردی در فرهنگ روسی کمک کرده‌اند. معیارهای تحلیل عبارت بوده‌اند از: حوزه معنایی (دما، طعم، رنگ و طیف‌های رنگی)، نوع کاربرد (مجاز یا مستقیم)، لایه‌های سبکی و کارکردهای متنی، بافت کاربرد، و نقش استعاره و رنگ‌پژوهی در ساخت ترکیبات. ابزار و منابع پژوهش عبارتند از: پیکره ملی زبان روسی، لغت‌نامه‌های تخصصی، مقالات و آثار پژوهشی پیشین درباره معناشناسی ترکیبات موردبررسی، و بررسی‌های صورت‌گرفته در رنگ‌پژوهی.

معناشناسی و کاربردشناسی *грусть* (غم و اندوه) / *печаль* (حزن و ملال)

تفسیر واژه *печаль* (حزن / ملال) به‌واسطه واژگان *грусть* (غم و اندوه)، *тоска* (دل‌تنگی)، *скука* (ملال و بی‌حوصلگی)، *горе* (غم)، *скорбь* (سوگواری)، *душевная горечь* (درد روحی) از جمله ویژگی‌های مشترک بیشتر فرهنگ‌های لغت توصیفی زبان روسی است (*Дмитриева, Щелгунова, 2021: 26*). ل. و. چسنوکوا^[۲]، در پیروی از و. و. کولسوف^[۳]، *печаль* (حزن / ملال) را در مقوله احساسات قرار می‌دهد و علاوه بر تحلیل معنایی، به جایگاه آن در تقسیم‌بندی معانی اولیه و معانی ثانویه یا مجازی نیز توجه می‌کند، چراکه در بسیاری از کاربردها این واژه بار استعاری و فرهنگی ویژه‌ای دارد. او به این اهمیت ذهنیتی تأکید می‌کند که اگر مشخصه بارز مردمان روس را تمایل به منفعل بودن، حس دل‌تنگی بی‌دلیل، مالیخولیا و افسردگی عمیق بدانیم، در این صورت این ویژگی‌های شخصیتی همراه با *печаль*، در مفهوم «روح روسی»^[۴] جای

می‌گیرند. از منظر سبک‌شناسی متنی، این واژه در متون ادبی و مذهبی بیشتر در سبک حماسی و توصیفی و در متون محاوره‌ای کمتر به کار می‌رود که این امر می‌تواند در طبقه‌بندی کاربردی آن مؤثر باشد. در فرهنگ کلام روسی، مفاهیم اندوه، حزن، مالیخولیا و افسردگی، احساسات پاک‌کننده و تطهیرگر به شمار می‌رفته‌اند که در متون روسی کهن به شخصیت‌های مثبت همچون قدیسان و قهرمانانی نسبت داده می‌شده‌اند که می‌توانستند با شأن و منزلت در برابر سختی‌های زندگی مقاومت کنند.

اگرچه دو واژگان *грусть* و *печаль* از نظر معنایی بسیار نزدیک به یکدیگرند، لیکن تفاوت‌های دستوری، سبکی و کاربردشناختی عمیقی برای آن دو برجسته است. این تمایز صرفاً معنایی نیست بلکه شامل جایگاه هر واژه در تقسیم‌بندی معانی اولیه و ثانویه یا مجازی نیز می‌شود. مرز تفاوت معنایی *грусть* و *печаль* در عمق احساسات بیان شده نهفته است و آن بدین شکل است که *грусть* عموماً در محدوده زمانی مشخصی صورت می‌گیرد، یعنی با مولفه گذرا بودن در زمان همراه است، و بنابراین از نظر احساسی به مراتب سبک‌تر از *печаль* می‌نماید؛ درحالی‌که *печаль* عمیق‌تر و در طول زمان بلندتری روی می‌دهد و اغلب با از دست دادن کسی و یا چیزی گران‌قدر و گرانبمایه برای شخص در ارتباط است. از دیدگاه سبک‌شناسی متنی، *грусть* بیشتر در متون محاوره‌ای و روزمره کاربرد دارد، حال آنکه *печаль* غالباً در متون ادبی، شاعرانه و مذهبی حضور پررنگ‌تری دارد. *грусть* حالتی است که معمولاً با موضوعی حیاتی برای فرد در ارتباط نیست. مهم‌ترین فاکتورهای شکل‌دهنده تفاوت معنایی این دو واژه چنین است:

Грусть	Печаль
طول زمان کوتاهی را در بر می‌گیرد.	طول زمان بلندتری را در بر می‌گیرد.
همراه با تلخی عمیق روحی است.	همراه با احساس یأس سبکی است.
ناشی از احساس نارضایتی از شرایط زندگی است.	در نتیجه از دست دادن فردی و یا چیزی ارزشمند پیش می‌آید.
همراه با بی‌تفاوتی و بی‌حرکتی است.	فرد را تشویق می‌کند تا شرایط را به سمت بهبود اوضاع تغییر دهد.
همواره رنگی تیره دارد.	ممکن است همراه با نور باشد.

با توجه به توضیحات گفته‌شده، و با رویکردی مبتنی بر اهداف آموزشی و ترجمه‌ای، در این نگاشته برای برابر فارسی *грусть* از «غم و اندوه» و برای *печаль* از «حزن / ملال» بهره می‌بریم، ضمن آنکه جایگاه هر یک از این دو واژه در تقسیم‌بندی معانی اولیه و ثانویه یا مجازی نیز مدنظر قرار گرفته است. اگرچه با توجه به بافت متنی، زبان‌آموزان با کسب مهارت زبانی ممکن است بتوانند برابره‌ای مناسب‌تر دیگری بیابند، و همچنین بر اساس سبک‌شناسی متنی، انتخاب معادل‌ها می‌تواند در متون ادبی، محاوره‌ای یا رسمی تفاوت‌هایی داشته باشد.

грусть (غم و اندوه) عبارت است از احساس فقدان، وقوع رویدادی ناخوشایند، کناره‌گیری از جامعه، و فرو رفتن در خود؛ این واژه در اغلب کاربردها در حوزه معنای اولیه قرار می‌گیرد و بیشتر در متون محاوره‌ای و گفتار روزمره دیده می‌شود. و *печаль* (حزن / ملال) در نقطه مقابل شادی قرار دارد، وضعیتی طولانی و تغییرناپذیر است که می‌تواند به وخامت حالت روحی بینجامد و به سبب بار استعاری و فرهنگی‌اش، در بسیاری از کاربردها به حوزه معنای ثانویه یا مجازی تعلق می‌گیرد و بسامد بالایی در متون ادبی و مذهبی دارد. (Жун Яо, 2020: 742)

همان‌گونه که گفته شد، *печаль* طول زمانی بلندتری را نسبت به *грусть* از نظر بیان احساسات در بر می‌گیرد، و در اغلب کاربردها در حوزه معنای ثانویه یا مجازی قرار دارد، حال آنکه *грусть* بیشتر به معنای اولیه وابسته است. اما این قانون همیشگی نیست و به کمک افزودن قیدها و ساختارهای زبانی وابسته می‌توان به محدودیت زمانی، از جمله گاه‌به‌گاهی بودن یا ادامه‌دار بودن روند غلبه احساسات، دست یافت. از منظر سبک‌شناسی متنی نیز، این تمایز زمانی در متون ادبی و شاعرانه جلوه‌ای برجسته‌تر می‌یابد، حال آنکه در متون محاوره‌ای یا روزمره کمتر تأکید می‌شود.

(الف) مدت زمان مشخص:

В тот вечер необъяснимая грусть охватила его, заставив задуматься о прожитом.

(ب) وضعیت روحی دائمی:

Всегда в его глазах читалась тихая грусть, словно он хранил какую-то тайну.

(پ) پیوستگی و محدودیت زمان در تلفیق با یکدیگر:

Порой внезапная грусть накатывала волной, заставляя остановиться и погрузиться в воспоминания.

معانی اخلاقی مفهوم *печаль* (حزن) در مراجعه به زبان‌های اسلاوی کهن و کلیسا آشکار می‌شود. مفهوم *печаль* با توجه به شمار و ماهیت معانی اخلاقی در درون مفهوم بزرگ‌تر *страдание* (رنج) جای می‌گیرد و در این بستر، بیشتر در معنای ثانویه یا مجازی به کار می‌رود، زیرا جنبه‌های استعاری، دینی و فرهنگی آن بر معنای واژه غالب است. معانی این مفهوم، چه عاطفی و چه اخلاقی، از حس ناهماهنگی درونی به سبب از دست دادن مواهب دنیوی یا سوگواری، ناهماهنگی درونی ناشی از احساس گناه، دل‌نگرانی برای نزدیکان و همدردی ناشی می‌شود. (Дмитриева, Щелгунова, 2021: 31)

ت. ای. وندینا^{۱۱} در «انسان قرون وسطی در آیین زبان اسلاوی کهن»، واژه *печаль* (حزن / ملال) را در زمره مفاهیمی که جهان‌بینی انسان قرون وسطی را شکل می‌دهند قرار نمی‌دهد؛ باین حال، در متون قرون وسطایی، به‌ویژه متون مذهبی، این واژه غالباً جایگاهی سبک‌شناختی حماسی و توصیفی پیدا می‌کند. او در بخشی با عنوان «رنج‌ها و عذاب‌ها» این مفهوم را به‌عنوان یکی از جنبه‌های *страдание* (رنج) مرتبط می‌داند. (Дмитриева, Щелгунова, 2021: 27)

تفاوت مهم دستوری این دو در آن است که برای *грусть* نمی‌توان صورت جمع قائل شد، درحالی‌که *печаль* در شمار جمع نیز کاربرد دارد. (Шмелев, 2014: 44) این ویژگی دستوری خود می‌تواند نشانه‌ای از گرایش کاربردی آنان باشد؛ به این معنا که *грусть* اغلب در معنای اولیه و در بیان تجربه‌های فردی و کوتاه‌مدت به کار می‌رود، درحالی‌که *печаль*، به‌ویژه در معنای ثانویه یا مجازی، قابلیت اشاره به مصادیق متنوع و حتی کلی‌تر را دارد. از نظر کاربردشناسی معنایی، واژه *грусть* عموماً در ترکیب با *раскаяние* (پشیمانی) به کار می‌رود و واژه *печаль* در ترکیب با *разочарование* (نومیدی) همراه می‌شود که این هم‌نشینی‌ها در متون ادبی و مذهبی نسبت به گفتار روزمره بسامد بیشتری دارند. (Шмелев, 2014: 49)

долгие печали (حزن / ملال / مدید)	минутные печали (حزن / ملال لحظه‌ای / گذرا)
бесконечная грусть (غم و بی‌پایان)	мимолетная грусть (غم و اندوه گذرا)

پاره‌ای از اصطلاحات ثابت زبانی که در آن از واژگان *тоска* و *печаль* به کمک راهکار همان‌گویی و یا دوباره‌گویی^۱ برای ساخت پیوندهای مرکب هم‌معنا بهره گرفته می‌شود، عبارتند از *грусть-тоска* و *тоска-печаль*. این ترکیب‌ها مترادف با اصطلاح *тоска-кручина* به شمار می‌آیند. کاربرد این ترکیب‌ها، به‌ویژه در متون ادبی، حماسی یا مذهبی، اغلب حامل بار معنایی ثانویه است که به ایجاد حالت عاطفی غنی‌تر و استعاری کمک می‌کند، درحالی‌که در گفتار محاوره‌ای یا متون روزمره، چنین ساخت‌هایی کمیاب‌تر و بیشتر به شکل ساده‌تر و معنای اولیه بیان می‌شوند.

عبارت‌های بیانگر موقعیت احساسی و عاطفی ملال‌آوری که با کمک واژگان *грусть* (غم و اندوه) و *печаль* (حزن / ملال) شکل می‌گیرند، می‌توانند در همراهی با صفت، درجات و پی‌رنگ‌هایی متفاوت و حتی دوچندان از این حالت عاطفی و احساسی را در فرهنگ کلامی روسی نشان دهند. با توجه به بُعد سبک‌شناسی متنی، *грусть* بیشتر در روایت‌های کوتاه‌مدت و شخصی (بیشتر معنای اولیه) و *печаль* در توصیف‌های بلندمدت، کلی و فرهنگی و استعاری (بیشتر معنای ثانویه) نمود دارد. ترکیب‌پذیری *грусть* و *печаль* با قسم کلام صفت در قالب چهار طبقه‌بندی اصلی قرار می‌گیرد: (۱) بر اساس نشانه‌های معمول و متداول، (۲) بیان عمق در معنای احساسی و عاطفی، (۳) بیان شدت در معنای احساسی و عاطفی، (۴) بیان طول مدت غلبه احساس (Колесов, 2017: 6-7; Жун Яо, 2020: 739-740).

(۱) نشانه‌های معمولی می‌توانند دامنه مشخصی از طعم-های تلخ، تند و تیز را دربرگیرند: *горькая грусть* / *печаль* (اندوه / حزن تلخ)، *жгучая печаль* (حزن / ملال سوزان / تند)، *острая грусть* / *печаль* (اندوه / حزن شدید)؛ و یا تعریفی از حس ملال‌آور به کمک برابر معنایی «مالیخولیایی» و «روحي» به دست دهد: *тоскливая грусть* (اندوه مالیخولیایی)، *душевная печаль* (حزن / ملال روحي)؛ در این دسته، *грусть* غالباً حامل معنای اولیه و بیانگر تجربه‌ای شخصی و کوتاه‌مدت است، درحالی‌که *печаль* بیشتر در معنای ثانویه یا مجازی و با بار استعاری و فرهنگی، به‌ویژه در متون ادبی و شاعرانه، ظاهر می‌شود. چنین

تفاوتی سبب می‌شود که انتخاب صفت نیز با بافت متن و سطح رسمیت آن هماهنگ گردد.

(۲) مفاهیم بیانگر سطح / عمق احساسات:

- معنای عمق را می‌توان به دو گروه اصلی عمق بسیار و اندک (سطحی) تقسیم کرد. عمیق بودن حالت احساسی به کمک *глубина* (عمق) و *великий* (بزرگ / عظیم) بیان شود: *глубокая (великая) грусть* / *печаль* (اندوه / حزن عمیق (عظیم))؛ در تحلیل سبک‌شناختی، به‌کارگیری این صفات در کنار *печаль* اغلب بار معنایی ثانویه دارد و بیشتر در متون ادبی، مذهبی یا شاعرانه دیده می‌شود، جایی که عمق احساس با لایه‌های فرهنگی و استعاری در هم می‌آمیزد. در مقابل، ترکیب همین صفات با *грусть* معمولاً در معنای اولیه به کار می‌رود و حس عمیق ولی شخصی و محدود به تجربه‌های فردی را منتقل می‌کند.

- صفات‌های بیان «طعم» به گستردگی برای ساخت مفاهیم عمق اندوه و حزن به کار می‌روند: *сладкая грусть* / *печаль* (غم و اندوه / حزن شیرین) و *горькая грусть* / *печаль* (غم و اندوه / حزن تلخ)، *жгучая печаль* (حزن تند - برگرفته از طعم فلفل). در بافت‌های ادبی یا شاعرانه، این ترکیب‌ها - به‌ویژه در همراهی با *печаль* - غالباً معنایی ثانویه پیدا می‌کنند که بار استعاری و فرهنگی را به احساسات عمق می‌بخشند. در مقابل، کاربرد آنها با *грусть* بیشتر جنبه معنای اولیه دارد و حالتی محسوس و شخصی را بازتاب می‌دهد. افزون‌بر این، انتخاب نوع طعم (شیرین، تلخ، تند) می‌تواند در سبک‌شناسی متنی نشان‌دهنده لحن اثر باشد؛ برای نمونه، «سوزان / تند» اغلب شدت هیجانی را در متون دراماتیک منتقل می‌کند، درحالی‌که «شیرین» بیشتر به حس نوستالژیک یا آرام در روایت‌های احساسی اشاره دارد.

- در فرهنگ و ذهنیت روسی، *печаль* (اندوه/حزن) نه‌تنها به‌عنوان احساسی نقطه مخالف شادی است، بلکه به‌عنوان مفهومی در نظر گرفته می‌شود که روابط انسان با خداوند و نزدیکان را تنظیم می‌کند. در این میان، ناهماهنگی روحی که علت آن می‌تواند ترس از دست دادن مواهب دنیوی و یا سوگواری و اندوه باشد، *тёмная печаль* (حزن سیاه) خوانده می‌شود؛ درحالی‌که *печаль* به‌عنوان حس گناه‌مندی

^۱ Тавтология / tautology

در برابر نیروهای الهی، در چهارچوب светлая печаль (حزن روشن) درک می‌شود. در چنین نمونه‌هایی، печаль تقریباً همیشه در معنای ثانویه یا مجازی به کار رفته و بار استعاری، فرهنگی و مذهبی پررنگی دارد که در متون دینی و شاعرانه برجسته است.

печаль به معنای دل‌نگرانی و مراقبت از نزدیکان، بالاترین بار اخلاقی را در خود داراست (Дмитриева, Щелгунова, 2021: 28). معنای سطحی بودن وضعیت احساسی ملال‌آور تنها برای اسم грусть (غم و اندوه) قابل استفاده است و کاربرد آن برای печаль که حزن و ملال ایجادشده برای از دست دادن کسی / چیزی گران‌قدر و ارزشمند است، مجاز نیست. این امر نشان‌دهنده محدودیت کاربرد معنای اولیه برای грусть و غلبه معنای ثانویه بر печаль در بافت‌های احساسی عمیق است.

چنین معنایی در ترکیب با грусть به کمک عنصر سازنده ترکیب طیف روشن رنگ‌ها светлый (روشن) ساخته می‌شود: светлая грусть (غم و اندوه آشکار)؛ бледная печаль - «حزن و ملال رنگ‌ورورفته»، نشان‌دهنده غم و اندوهی کم‌رنگ است که به دشواری متوجه آن می‌توان شد و سطح حضور غم و اندوه در آن سبک است. «تاریکی»، برخلاف «روشنایی»، بیانگر عمق بالای احساسات است: мрачная печаль (حزن و ملال تیره)؛ طعم «شیرین» و نیز مفهوم «خوشایند بودن» تنها بر سطحی بودن احساسات ملال‌آور دلالت دارد (Сироткина, 2012: 311) و نمی‌توان آن دو را در ترکیب با печаль به کار برد: сладкая грусть (اندوه شیرین)، приятная грусть (اندوه شیرین). این محدودیت نیز مؤید آن است که грусть در معنای اولیه و печаль در معنای ثانویه غالب‌اند.

- به کارگیری درجات دما از ابزارهای زبانی استعاری بیان عمق احساسات به شمار می‌آید: тёплая грусть / печаль (غم و اندوه / حزن گرم). در بخش دیگری مفصل‌تر به این درجات دمایی خواهیم پرداخت. برخی صفات در زبان برگرفته از طبیعت هستند و استعاره‌ای از تاری و تیرگی به دست می‌دهند. اصطلاح ثابت туманная печаль (حزن مه‌آلود) با الهام گرفتن از معنای туман (مه) بر ناآشکار بودن و پنهان بودن غم از این دست است. معانی نومیدی و حس مالیخولیایی نیز می‌توانند بر عمق این احساسات غمگین دلالت داشته

باشند. مفهوم تیرگی همچنین می‌تواند از حاصل سوختن کسی / چیزی و بدل شدن آن به «خاکستر» برآید که هم‌زمان حس نومیدی را القا می‌کند: пепельная грусть (غم خاکسترآلود) با الهام گرفتن از معنای пепель (خاکستر) در معنای حس نومیدی ساخته شده است.

ترکیب‌های تعریف‌کننده عمق احساسات ملال‌آور به کمک وصف شامل «حماقت»، «ناشنوایی»، «مبهم بودن»، «سرکوبگر بودن»، «وحشتناک بودن»، «پنهانی بودن»، «کهنه بودن» به ترتیب در ترکیب‌های ثابت грусть (اندوه) همراه با حماقت، глухая грусть (غم و اندوه مبهم)، смутная грусть (غم مبهم)، гнетущая грусть / тягостная грусть (اندوه سرکوبگر)، печаль / страшная грусть (غم / اندوه وحشتناک)، тайная / скрытая грусть (غم و اندوه / حزن (ملال) پنهان)، старая печаль (حزن و ملال کهنه) بیان می‌شوند. در این موارد، کاربرد صفت با грусть اغلب در معنای اولیه باقی می‌ماند و بر تجربه‌های فردی و کوتاه‌مدت تمرکز دارد، درحالی‌که در ترکیب با печаль، معنای ثانویه یا مجازی بیشتر دیده می‌شود و لایه‌ای استعاری و فرهنگی به احساس اضافه می‌گردد. این تمایز به‌ویژه در متون ادبی، حماسی و مذهبی برجسته‌تر از گفتار روزمره است.

(۳) مفاهیم همراه با شدت در معنا حاکم است. فاکتورهای معنایی و ساخت‌واژی این معنا عبارتند از:

- тревожная грусть (اندوه همراه با حس نگرانی و اضطراب) در معنای نبود آرامش و آسایش روحی روانی. این ترکیب اسمی صفتی حاصل درهم‌آمیختن دو حس «غم و اندوه» و «اضطراب و نگرانی» با یکدیگر است. در اینجا، грусть بیشتر در معنای اولیه به کار می‌رود و شدت را از صفت тревожная کسب می‌کند، اما در متون ادبی، ترکیب یادشده می‌تواند بار استعاری و هم‌زمان معنای ثانویه بیابد.

- همان‌گونه که گفته شد، پاره‌ای معانی که دلالت بر تیرگی و نبود نور و روشنایی دلالت دارند، می‌توانند رساننده حس عمیق درد و ملال باشند: пепельная грусть (غم و اندوهی که خاکستر می‌کند). به کارگیری این تصویر رنگی - استعاری، در پیوند با معانی ثانویه، در متون شاعرانه و سبک حسی - تصویری رایج است؛ ولی در گفتار روزمره، بیشتر بار ملموس و معنای اولیه رنگ غالب خواهد بود.

– غالب این ساختارهای احساسات ملال آور، ساختارهایی هستند که به کمک دو پیشوند منفی ساز -не (غالباً در ترکیب با ساختارهای صفت فعلی) و -без در ترکیب با صفات برگرفته از اسامی با معانی نیرو، گفتار، امید، عقل، خوشحالی، آسایش و مانند آن می آیند. در کاربرد با грусть این ساختارها معمولاً بیان تجربه ای شخصی، کوتاه مدت و ملموس در معنای اولیه هستند؛ درحالی که ترکیب همین ساختارها با печаль غالباً به معنای ثانویه یا مجازی گرایش دارد و در سبک های ادبی، مذهبی و توصیفی برای بازنمایی احساسات ژرف، ماندگار و فرهنگی به کار می رود.

در ادامه بررسی مفاهیم بیانگر شدت، بخشی از ترکیبات اسمی و صفتی با грусть (غم و اندوه) و печаль (حزن / ملال) را می توان بر اساس حضور پیشوندهای منفی ساز و هسته های معنایی خاص طبقه بندی کرد. این پیشوندها و هسته ها نه تنها شدت احساسات را تشدید می کنند، بلکه نوع معنای به کاررفته را نیز جهت می دهند. در بسیاری از مثال ها، کاربرد با грусть گرایش به معنای اولیه و بازنمایی تجربه های کوتاه مدت و شخصی دارد، حال آنکه در همراهی با печаль، معنای ثانویه یا مجازی غالب شده و در متون ادبی، مذهبی و شاعرانه جایگاه پررنگی می یابد. این دسته بندی علاوه بر بازتاب ویژگی های ساختارهای معنایی، جایگاه سبک شناختی هریک از ترکیبات را در چهارچوب بافت های رسمی، ادبی، یا گفتاری مشخص می سازد:

– نبودن حد و مرز برای این احساسات ملال -
آور: безбрежная грусть (اندوه بی کران)؛
безысходная грусть (اندوه بی پایان / همراه با حس ناامیدی)؛ безвыходная печаль (حزن و ملالی که از آن نمی توان رهایی یافت)؛ در این نمونه ها، کاربرد грусть گرایش به معنای اولیه داشته و اغلب بازنمایی تجربه های شخصی و گذرا را در متون ادبی شاعرانه یا محاوره ای پوشش می دهد، درحالی که печаль در این گروه بیشتر معنای ثانویه یا مجازی را منتقل کرده و جایگاه پررنگی در متون مذهبی، فلسفی و حماسی – توصیفی می یابد.

– هسته معنایی сила (نیرو / توان): бессильная грусть (اندوه همراه با ناتوانی) – استعاره از آن است که این حزن و ملال برای باربر آن دیگر توان و نیرویی بر جای نگذاشته است. بنابراین توجه پیکان نیرو سوی دارنده حس گرفته شده

است؛ درحالی که در ترکیب ثابت сильная печаль (حزن شدید)، نوک پیکان فشار نیرو بر «حزن و ملال» قرار دارد. در اینجا، грусть بیشتر در معنای اولیه به کار می رود و در متون محاوره ای یا روایات شخصی، ضعف و فرسودگی احساسی را بیان می کند؛ اما печаль در معنای ثانویه یا مجازی، در متون ادبی و مذهبی، شدت و عظمت احساسی را برجسته می نماید. – هسته معنایی молчание (سکوت)، безмолвность (خاموشی / سکوت): به عنوان پیامد منفی احساسات ملال آور شناخته می شود: молчаливая печаль (حزن همراه با سکوت)، безмолвная печаль (حزن همراه با سکوت). این ترکیبات، به ویژه با печаль تقریباً همیشه در معنای ثانویه یا مجازی به کار می روند و در سبک های ادبی، مذهبی و شاعرانه برای القای عمق، فراگیری و سنگینی فضای احساسی استفاده می شوند؛ حال آنکه معادل با грусть در این هسته معنایی بسامد ناچیز دارد و بیشتر در توصیف های روزمره یا خاطره نگارانه به معنای اولیه دیده می شود.

– هسته معنایی надежда (نومیدی) به عنوان پیامد منفی احساسات ملال آور شناخته می شود. این هسته معنایی می تواند به صورت آشکار به کمک ساختار безнадежная грусть / печаль (اندوه / حزن همراه با ناامیدی) و یا به صورت درون نهاد به کمک طیف کاملاً متفاوتی از واژگان در فرهنگ زبانی روسی بیان شود. در اینجا، грусть گرایش بیشتری به معنای اولیه داشته و در خاطره نگاری ها و متون روزمره برای بازتاب نومیدی شخصی به کار می رود، حال آنکه печаль عموماً در معنای ثانویه یا مجازی و در متون ادبی، مذهبی و فلسفی، برای ترسیم شکست آرمان ها یا سوگواری های فرهنگی – تاریخی استفاده می شود.

– هسته معنای ум (عقل و خرد) به عنوان پیامد منفی. – безумная грусть (غم و اندوه همراه با دیوانگی). این ترکیب، بسته به بافت، می تواند معنای اولیه در تجربه های فردی شدید داشته باشد یا معنای ثانویه در متون ادبی، جایی که «دیوانگی» نمادی از عشق یا سوگ بی مرز است.

– هسته معنای радость (شادی). безотрадная печаль (حزن غم انگیز). این ترکیب بیشتر در معنای ثانویه و در سبک های حماسی و توصیفی یا مذهبی کاربرد دارد، جایی که ناامیدی و فقدان شادی به سطحی فلسفی و جهان شناختی ارتقا می یابد.

- هسته معنای نبود (آسایش) به عنوان پیامد منفی. *безутешная печаль* (حزن تسلی ناپذیر). کاربرد غالب این ترکیب در معنای ثانویه و در متون عزاداری یا روایت‌های تراژیک است، و به جای تجربه شخصی، اندوهی جمعی و ماندگار را بازنمایی می‌کند.

- صورت منفی صفت فعلی زمان حال ساخته شده از افعال *выразить* (بیان کردن)، *прояснить* (توضیح دادن)، *выносить* (تحمل و صبوری کردن)، *преодолеть* (غلبه کردن): *невыразимая грусть* (اندوه بیان نشدنی)، *непрояснимая грусть* (اندوه نامشخص)، *невыносимая печаль* (حزن فزون بر اندازه تحمل)، *непреодолимая грусть* (اندوه تسلی‌ناپذیر / برطرف‌نشدنی). در این ترکیبات، *грусть* بیشتر در معنای اولیه برای تجربه‌های درونی و شخصی، و *печаль* در معنای ثانویه برای بیان اندوه‌های ماندگار و باشکوه متنی به کار می‌رود.

- صورت منفی صفت *понятный* (قابل فهم) / قابل درک: *непонятная грусть* (اندوه غیر نامفهوم / غیرقابل درک). این ترکیب معمولاً در معنای اولیه در سبک گفتاری / خاطره‌ای با هدف بیان حالت روحی مبهم استفاده می‌شود. - مفاهیم همراه با طولانی بودن را می‌توانیم شاهد باشیم، چون: *бесконечная грусть* (غم بی‌پایان)، *беспредельная печаль* (حزن و ملال بی‌کران)؛ *долгие печали* (حزن مدید)، *минутные печали* (حزن‌های لحظه‌ای). در این گروه، *грусть* بیشتر در معنای اولیه و در تجربه‌های شخصی کوتاه‌مدت یا بلندمدت روزمره، و *печаль* در معنای ثانویه برای روایت‌های ادبی، حماسی و مذهبی کاربرد دارد. (Kolesov, 2017: 6-7).

شدت و حدت بیان احساسات ملال‌آور به کمک مفهوم «دما»

(الف)

грусть	печаль, тёплая
(گرم)	(غم و اندوه / حزن و ملال)

ترکیب *тёплая печаль* اغلب برای توصیف غم و اندوهی که پی‌مایه «نوستالژی» یا غمی خفیف دارد، به کار می‌رود. این ترکیب، شمایی از غمی به دست می‌دهد که شدید و مخرب نبوده، بلکه گرم و دلنشین است؛ لیکن خاطره‌ای

دلنشین از چیزی که از دست رفته و عزیز بوده به دست می‌دهد. اغلب در متون ادبی برای شکل‌گیری حال و هوای مالیخولیایی سبک به کار می‌رود.

ترکیب *тёплая грусть* حس غم را هم‌زمان با تأکید بر گرمی و سبک بودن آن منتقل می‌کند؛ غمی را توصیف می‌کند که باعث رنج زیادی نمی‌شود، بلکه یک خاطره یا پشیمانی ملایم و دلپذیر است. اغلب برای ایجاد فضایی مملو از آرامش و غم سبک به کار می‌رود که مخرب نیست، بلکه حتی می‌تواند دلپذیر نیز باشد.

(ب)

грусть	печаль, жаркая
(سوزان)	(غم و اندوه / حزن و ملال)

هر دو ترکیب در شعر و ادبیات برای شدت بخشیدن احساسی کاربرد دارند. بیان «دما» برای این واژگان نشان‌دهنده غمی آزاردهنده و عمیق است که روح و جان را می‌سوزاند. ترکیب *жаркая грусть* از بسامد کاربردی کمتری نسبت به *жаркая печаль* برخوردار است و بیانگر یک حالت عاطفی قوی است.

(پ)

грусть	печаль, горячая
(داغ)	(غم و اندوه / حزن و ملال)

ترکیب *горячая грусть* ترکیبی نو به شمار می‌رود و کاربرد آن چه در متون ادبی و چه در زبان محاوره با هدف تشدید درام مشهود است.

ترکیب *горячая печаль* از پی‌مایه کاربرد سنتی با تأکید بر شدت غم در زبان روسی برخوردار است. اغلب در یک متن‌های شاعرانه برای ایجاد حال و هوای خاص به کار می‌رود.

(ت)

грусть	печаль, холодная
(سرد)	(غم و اندوه / حزن و ملال)

- ترکیب *холодная грусть* حس غم و اندوهی را منتقل می‌کند که با سردی و بی‌تفاوتی نمایان است (Musataeva, Kotlyarova, 2022: 109). غمی عمیق اما بی‌روح، عاری از گرما و احساس را وصف می‌کند. اغلب برای ایجاد تصویری از پوچی عاطفی یا بیگانگی استفاده می‌شود. ترکیب *холодная печаль* همچنین نشان‌دهنده حزن و ملالی است که سایه‌ای از سردی و بی‌تفاوتی همراه دارد.

نشانگر غمی عمیق و احساسات منجمد شده است. اغلب برای توصیف حالتی به کار می‌رود که فرد فقدان کسی و یا دردی را تجربه می‌کند، اما به دلیل سردی درونی نمی‌تواند آن را به شکل کاملی درک و حس کند.

- تفاوت‌های محوری میان این دو عبارت در نکته‌های ظریف زیر نهفته است: *холодная грусть* دال بر نبود احساسات و گرمی در خود غم است، و *холодная печаль* تأکید بر بی‌حسی و جدایی عاطفی دارد؛ زمانی که فرد در حالت غم عمیقی قرار دارد که حتی از حس آن عاجز و ناتوان است. نمادشناسی رنگ‌ها

مبحث نمادشناسی رنگ‌ها، بیش از آنکه موضوع پژوهش در زبان‌شناسی باشد، ریشه در عوامل و فاکتورهای روان‌شناختی بشر دارد. از همین روی نقش علم روان‌شناسی در تحلیل احساسات ملال‌آور که با رنگ‌ها بیان می‌شوند، عظیم است. رنگ‌ها از دیرباز نه تنها ابزاری برای توصیف جهان مادی بوده‌اند، بلکه وسیله‌ای برای انتقال مفاهیم انتزاعی و پیام‌های عاطفی در زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون بوده‌اند. انسان‌ها به کمک رنگ‌ها، احساسات، مفاهیم اخلاقی و باورهای فرهنگی خود را به شکل استعاره و نمادین بیان می‌کنند؛ چنان‌که واژه‌هایی چون «سیاهی»، «سرخ» یا «سبزی»، «خاکستر شدن» در زبان‌های مختلف، فراتر از معنای ظاهری‌شان، حامل بار معنایی و تداعی‌کننده مفاهیم گسترده‌ای در عرصه‌های زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، هنری و ادبی بشر هستند. استعاره‌های رنگی از جمله پربسامدترین ابزارهای زبانی برای عینیت‌بخشی به مفاهیم انتزاعی، چون شادی، غم، امید و یا خشم به شمار می‌روند و نمادپردازی رنگ در عرصه‌های ادبی، هنری و دینی، مطالعه‌ای چندوجهی و میان‌رشته‌ای را می‌طلبد. درک کارکردهای معنایی و نمادین رنگ‌ها، نه تنها در تحلیل متون ادبی و هنری از اهمیت برخوردار است، بلکه به فرایند دریافتن و شناخت ساختارهای فکری و فرهنگی جوامع انسانی یاری می‌رساند.

نظریه مکس لوشر Макс Люшер بر پایه روان‌شناسی رنگ و نقش آن بر شکل‌گیری ادراک بشر بر پایه تجربه‌های صورت‌گرفته در زندگی بشر اتکا دارد. در اواسط قرن بیستم، لوشر برای نخستین بار نظریه نمادشناسی درک و برداشت از رنگ / رنگ‌ها و ارتباط آن با احساسات بشر را ارائه کرد (Люшер, 2002: 3-8) (Шачнев, 2021: 52). رنگ‌ها،

مفاهیم گوناگونی را منتقل می‌کنند، و انسان بی‌آنکه خود متوجه آن باشد، این پیام رنگ را به روشنی درک می‌کند و از آن تأثیر می‌پذیرد. طیف‌های رنگی مختلف می‌توانند نشاط‌بخش و یا آرامش‌بخش باشند؛ حس شادی و یا پرخاشگری را ایجاد کنند؛ و یا حساسیت او را نسبت به محرک‌های خارجی فزونی بخشند یا احساساتش را کرخت نمایند. از این جهت رنگ‌ها دارای قدرت تأثیرگذاری بالایی بر انسان هستند (Бакеева, 2011: 114).

رنگ‌پردازی در نگاشته‌های زبان‌شناسی و آثار ادبی روسی

رنگ‌پردازی مفهومی گسترده و حائز اهمیت است. مطالعات ادبی این اصطلاح را به عنوان راهکاری هنری توضیح می‌دهد که به نویسنده امکان می‌دهد با ظرافت‌های ویژه، تصویر جهان و حالات روحی و روانی را منتقل کند (67: 2013: Туранина). پ. آ. فلورنسکی رنگ را به عنوان ویژگی فردی خود شیء تبیین می‌کند؛ به گونه‌ای که این امر نه تنها نسبت شیء با فضای پیرامونی را نشان می‌دهد، بلکه به ویژگی عملکردی درونی آن نیز اشاره دارد (Флоренский, 1993: 278).

درک مسیحیت و اخلاق از مفهوم *печаль*، در برداشت «حس گناهکاری در برابر نیروهای برتر» تحقق می‌یابد؛ معنایی که اغلب در رمان پاسترناک مشاهده می‌شود (Дмитриева, Щелгунова, 2021: 28). مفاهیم «غم و اندوه»، «حزن / ملال» و «ترس» نقش مهمی در تبیین ویژگی‌های خاص منظر زبان‌شناختی جهان روسی و آفرینش شاعرانه بوریس پاسترناک و والری بریوسوف دارند (Федоринчик, : 118).

ی. ی. استفانسکی *грусть* (غم اندوه) را احساسی عمیق‌تر، شخصی‌تر و به صورت خودجوش و ناگهانی‌تر می‌داند و از همین روی ساختار بدون فاعلی *Мне грустно* (دلم غمگین است). برای آن در زبان روسی متمایز است. در حالی که، اسم *печаль* (حزن / ملال) که در قالب چنین ساختار دستوری‌ای جای نمی‌گیرد. در *печаль* شاهد مرگ عزیزی یا دوری از او هستیم. حزن به لحاظ ریشه‌شناختی، احساسی جمعی و مستقل از خواست یا وضعیت روحی شخص خاص است (Стефанский, 2009: 21).

آلخینا به بررسی طیف‌های رنگ سفید، قرمز، سیاه و آبی در آثار ایرینا موراویوا^۱ پرداخته است. طبق پژوهش‌های وی، موراویوا به نسبت دیگر رنگ‌ها، کمتر از رنگ سیاه استفاده کرده است. درحالی‌که طیف‌های مربوط به رنگ‌های قرمز، سفید، آبی و آبی روشن (آسمانی) جزء پرکاربردترین‌ها در آثار وی هستند. متون ادبی تحلیل‌شده ایرینا موراویوا این امکان را فراهم ساخته تا ویژگی‌های کارکرد واژگان رنگی در کاربرد مستقیم آن‌ها به هنگام توصیف پرتره قهرمانان آثار، لباس آنان، اشیای مربوط به زندگی روزمره، طبیعت و دنیای پیرامون، و نیروهای طبیعی نشان داده شود. نام‌گذاری رنگ‌ها در ترکیب با استعاره‌ها، تشبیهات و صفات، نقش معنایی، توصیفی و عاطفی ایفا می‌کنند. برای نمونه، رنگ قرمز حالت‌های احساسی شخصیت‌ها از جمله ترس، خشم، رنج و اندوه را انتقال می‌دهد، اما در عین حال به بازآفرینی تصاویر زیبای طبیعت یاری می‌رساند و نویسنده از طریق آن می‌کوشد تحسین و شگفتی خود را بیان کند. نویسنده به واژگان رنگ سفید نه تنها برای نمایش احساساتی چون خشم، رنجش، نفرت و فقدان در زندگی شخصیت‌ها، بلکه برای خلق تصاویر زنده از طبیعت و دنیای اطراف نیز مراجعه می‌کند. واژگان رنگی آبی و آبی آسمانی یا آبی روشن با کاربرد در عناصر تصویری، مناظر بهاری و زمستانی را بازنمایی کرده و آرامش را منتقل می‌سازند. افزون‌بر این، رنگ‌های آبی و آبی آسمانی و طیف‌های آن به انعکاس احساسات شخصیت‌ها همچون شادی، خوشبختی، عشق، مهربانی و شور و اشتیاق کمک می‌کنند. رنگ سیاه وضعیت روحی روانی شخصیت‌ها را که با از دست دادن عزیزان، رنج، سرخوردگی، انزوا و یأس مرتبط است، به تصویر می‌کشد (Ольхова, 2019: 142).

آ. والوشین^۱ (شاعر روس) با به کارگیری استعاره‌های برآمده از نام رنگ‌ها در قالب مقوله‌های دستوری صفت و اسم به عنوان یک سبک هنری می‌کوشد تا برداشت‌های احساسی و عاطفی از سرزمین‌های محبوب خود را به خواننده ارائه دهد: (الف) استعاره‌های ساخته‌شده از مقوله دستوری صفت: голубая тишина (سکوت آبی)، рыжий ветер (باد سرخ)، малахитовые дали (دوردست‌های مالاکییتی / مرم

سبزین رنگ)^۲ зелёный воздух (هوای سبز)، лиловые сизо-дождливая даль (نیایش‌های بنفش)، зелёно-палевые туманы (دوردست بارانی-خاکستری)، (مه‌های سبز و کاهی)، лилово-серые леса (جنگل‌های بنفش-خاکستری). (ب) استعاره‌های ساخته شده از مقوله دستوری اسم: лазурь небес (لاجورد آسمان‌ها)، золото земли (طلای زمین)، зажёг прощальные костры (افروختن آتش‌های وداع) (Зубченко, 2025: 1944).

رنگ‌پردازی در ترکیب با احساسات ملال‌آور غم و اندوه / حزن و ملال

هفت گونه متفاوت در درخشندگی رنگ (کانتراست) متمایز است: در رنگ و تناژ آن، در اشباع بودن، در کانتراست رنگ روشن (светлый цвет) و تاریک / تیره (/ мрачный / тёмный цвет) و رنگ سرد (холодный цвет) و گرم (тёплый цвет) و در کانتراست رنگ‌های مکمل (Кузьмин, 2021: 19). رنگ‌ها می‌توانند تصویرهای ادراکی متفاوتی مانند نزدیکی، دما، وزن، طعم را نیز القا کنند (Шачнев, 2021: 51).

فهرست تفسیری رنگ‌ها در همراهی با احساسات ملال‌آور به شکل زیر هستند:

Фиолетовый цвет – رنگ بنفش با معنویت و عرفان در ارتباط است. بنفش رنگی است که تمرکز و امور خلاقانه و توانمندی مغز را نشان می‌دهد. این رنگ به فرد این امکان را می‌دهد در اندیشه فرو رفته و بر روی هدف خود با بی‌اعتنایی به محرک‌های بیرونی تمرکز کند (Шачнев, 2021: 52). رنگ بنفش به شکل سنتی با معنویت، خرد و نجابت پیوند خورده است؛ از این رو، در میان تداعی‌های مثبت آن می‌توان به آرامش، اصالت، شادی، قاطعیت، اعتماد به نفس و مانند آن اشاره کرد. هم‌زمان، روان‌شناسان خاطرنشان می‌کنند که «این رنگ سنگین است و افراط در آن می‌تواند موجب افسردگی شود (Крестовская, 2006: 52). در همراهی با غم و اندوه، این رنگ دربردارنده مفهوم مبارزه عمیق درونی و جستجوی معنا در رنج است و از این رو به آن مفهومی مرموز و معماگونه می‌بخشد.

^۲ برخی از نام‌های رنگ، برگرفته از نام گل‌ها و سنگ‌ها در طبیعت هستند. رنگ مالاکییت (مرمر سبز) برگرفته از نام سنگ مالاکییت (малахит) است.

^۱ А. Волошин

голубой цвет – رنگ آبی آسمانی، نشانه پاکی دنیای درون، نشانه‌ای از تعالی، دلبستگی، صلح در جهان و مهربانی است (Шачнев, 2021: 52). در نمادپردازی، رنگ آبی را اغلب با بُعد معنوی و مذهبی در ارتباط می‌دانند. این رنگ در فرهنگ روسی دارای خصلت جادویی است (Васильевич, 2005: 43). آبی آسمانی نماد بی‌انتهایی بودن و آرامش است و در متن غم و اندوه می‌تواند نمایانگر عمق آن و ناگزیر بودن از آن باشد. این رنگ از غم و اندوه نمایانگر گرایش و تمایل به چیزی دست نیافتنی (دلتنی از نبود کسی و یا چیزی) است. синий цвет – رنگ آبی، مانند بنفش برای ایجاد تمرکز به کار می‌رود (Шачнев, 2021: 52).

зелёный цвет – رنگ سبز، نمادی از طبیعت و رشد است. سبز رنگی است که برای تسکین استرس و نگرانی‌ها به کار می‌آید. این رنگ، رنگ شفافبخشی است (Шачнев, 2021: 52). در پس‌زمینه غم و اندوه می‌تواند به معنای زوال و حسرت هماهنگی ازدست‌رفته با جهان تعبیر شود. зелёный цвет – رنگ سبز تیره نماد زوال و رکود است. این رنگ بازتاب‌دهنده احساسی از دلتنی راکد است، زمانی که همه چیز در اطراف یکنواخت و بی‌روح چون یک باتلاق به نظر می‌رسد.

жёлтый цвет – رنگ زرد پیش‌تاز در تدائی «خورشید» است، نور خورشید موجب شادی و احساسات مثبت چون خوشبختی، شادمانی، عشق، خنده، نشاط است. اما باید در نظر داشت تداعی‌های مرتبط با رنگ زرد، به‌شدت تحت تأثیر سایه‌روشن‌های این رنگ قرار دارند. به این ترتیب که اگر تُن‌های زرد روشن را با نور خورشید و نخستین گل‌های بهاری در پیوند بدانیم، باید گفت که تُن‌های تیره‌تر این رنگ حامل بار معنایی منفی هستند و احساسات خیانت، خساست و بی‌اعتمادی را تداعی می‌کنند (Серов, 2004: 311). رنگ زرد به‌طور سنتی نمایانگر شادی و نور است، اما در متن غم و اندوه نمایانگر تلخی و نومیدی در برآورده نشدن انتظارات است. оранжевый цвет – رنگ نارنجی ترکیبی از گرمای قرمز و آرامش زرد است. نارنجی رنگی است که از دیرباز به‌عنوان رنگ خلاقیت و سلامت شناخته می‌شود. این رنگ به بازیابی خوش‌بینی و برانگیختن نیروهای زندگی کمک می‌کند. نارنجی هماهنگی و تعادل تمام سیستم‌های داخلی را نمایش می‌دهد (Шачнев, 2021: 52). در متن غم و اندوه این

رنگ می‌تواند احساسات متفاوتی را بیان کند: از امید و انرژی زندگی گرفته تا اشتیاق و نومیدی. بیان دلتنی به کمک رنگ نارنجی به آن گرمایی مطبوع می‌بخشد.

розовый цвет – صورتی – رنگی از ترکیب سفید با قرمز بیرون آمده است. صورتی نمادی از روابط شخصی، گرمی احساسات و مهربانی است (Шачнев, 2021: 52). رنگ صورتی معمولاً با رنگ شادی روحانی و لطافت همراه است (Серов, 2004: 272). رنگ صورتی با لطافت و حساسیت همراه است و در متن غم و اندوه می‌تواند نمادی از شکنندگی و آسیب‌پذیری و دلسوزی و همدلی برای داغدار باشد. این رنگ اغلب با حساسیت و توهّم توأم است. در غم و اندوه می‌تواند نمادی از شکنندگی امیدها و ماهیت واهی شادی باشد.

коричневый цвет – قهوه‌ای، رنگی برگرفته از طبیعت و زمین است (Серов, 2004: 190) و در معنای اولیه با خاک، ثبات و اطمینان پیوند دارد. در بافت‌های بیان احساسات ملال‌آور، این رنگ در معنای ثانویه یا مجازی نمادی از پایداری در برابر سختی‌ها و تحمل‌پذیری رنج است. واژه به‌کاررفته نزد سیروف، بیش از آنکه «سنگینی» فیزیکی را تداعی کند، بار عاطفی «فشار روحی و دشواری طاقت‌فرسا» را به ذهن می‌آورد؛ از این‌رو، به‌جای حس صرفاً وزنی، مفهوم «رنج فشرده و پایدار» و گاهی «سردی بی‌روح ناشی از رنج طولانی» را منتقل می‌کند. این تعبیر بیشتر در متون ادبی و شاعرانه برای القای فضای اندوه عمیق کاربرد دارد، حال‌آنکه در متون گفتاری، اشاره به رنگ قهوه‌ای عمدتاً در معنای اولیه و بدون بار استعاری دیده می‌شود.

золотой цвет – رنگ طلایی، نماد ثروت و ارزش است. در متن غم و اندوه، این رنگ می‌تواند بازتاب‌دهنده شرایط از دست رفتن این ارزش‌ها و یا احساس از دست دادن چیزی گران‌بها و معنادار در زندگی باشد.

серебристый цвет – رنگ نقره‌ای با ماه و شب در ارتباط است. می‌تواند نماد دلتنی و در اندیشه فرو رفتن باشد و یا نمادی از کوشش برای رسیدن به نور درونی در دوران‌های سیاه باشد.

бледно-голубая грусть – نمادی از غمی ملایم و سبک است.

бледно-жёлтая грусть – نمادی از غمی عاری از نور و روشنائی است.

دارد. - *тёмно-синяя грусть* - دلالت بر یأس و نومیدی

سرکوبگر است. - *тёмно-серая грусть* - نمادی از غمی سنگین و

خاموش خلق می‌کند. - *светло-серая грусть* - نمادی از حزنی سبک و غمی

غم‌انگیز به دست می‌دهد. - *ярко-жёлтая грусть* - تصویری از حسی روشن اما

۴- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تکیه بر داده‌های برگرفته از پیکره ملی زبان روسی و منابع معتبر معناشناسی، به طبقه‌بندی معناشناختی ترکیبات صفتی همراه با دو اسم کلیدی *грусть* (غم و اندوه) و *печаль* (حزن و ملال) پرداخت. در تحلیل‌ها، تمایز میان معانی اولیه و ثانویه یا مجازی نقشی محوری داشت؛ تمایزی که نه تنها در تبیین تفاوت‌های کارکردی این دو واژه مؤثر بود، بلکه ارتباط آن را با سبک‌شناسی متنی (ادبی، مذهبی، محاوره‌ای) نیز آشکار ساخت.

بررسی رنگ‌پردازی همراه با احساسات ملال‌آور نشان داد که هر رنگ، در کنار معنای اولیه خود، می‌تواند در بافت‌های خاص معنایی ثانویه‌ای بیابد که حاوی بار فرهنگی، استعاری و روان‌شناختی است؛ امری که برای درک لایه‌های عاطفی در متون روسی ضروری است.

این یافته‌ها برای مخاطبان حرفه‌ای، از جمله زبان‌شناسان، مترجمان روسی-فارسی، روان‌شناسان زبان و زبان‌آموزان ایرانی، ظرفیت کاربردی قابل توجهی دارند. در حوزه آموزش زبان روسی، این طبقه‌بندی‌ها می‌توانند به غنای واژگانی و ارتقای حساسیت معنایی و سبکی زبان‌آموزان کمک کنند. در عرصه ترجمه میان‌زبانی نیز، توجه به این تمایزها امکان انتخاب معادل دقیق‌تر، حفظ بار احساسی متن و انتقال ظرایف فرهنگی را فراهم می‌آورد.

منابع

- صادقی سهل‌آباد، ز. (۱۴۰۰). بازنمایی فرهنگ در فرآیند آموزش زبان خارجی از دیدگاه زبان‌شناسان روس. پژوهشنامه آموزش زبان روسی، ۱۱(۲)، ۳۹۶-۳۱۰. <https://doi.org/10.22059/jflr.2021.316648>.

5742

- قدرتی، ا. (۱۴۰۳). مؤلفه‌های معناشناختی مفهوم «نوستالژی» در فرهنگ کلامی ایرانیان و روس‌ها. زبان‌شناسی پیکره‌ای، ۱۴(۲)، ۲۱۹-۲۳۳. <https://doi.org/10.22059/jflr.2024.358796>.

1229

مرادی، م. و رحمانی، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه متقابل زبان و فرهنگ با استفاده از فرضیه نسبیت زبان‌شناختی. نقد زبان و ادبیات خارجی، ۱۲(۱۶)، ۲۳۷-۲۵۸.

-Бакеева, Д. А. (2011). Язык культуры. Цвет в истории: культурно-символический аспект. *Lingua Mobilis*, (2(28)), 114-117 .

-Васенко, А. О. (2024). Определение степени эмоционального состояния говорящего по параметрам звучащей речи. Теория языка и межкультурная коммуникация, 3(54), 74-83. <https://doi.org/10.25205/2307-1737-2024-3-74-83>

-Василевич, А. П., Кузнецова, С. Н., & Мищенко, С. С. (2005). Цвет и название цвета в русском языке. Москва: КомКнига .

-Воробьева, Е. Ю. (2021). Цветовое восприятие как средство эмоционального воздействия. Вестник МГПУ. Серия: Филология. Теория языка. Языковое образование, (3), 54-59 .

-Дачневская, О. Е. (2018). Исследование цветовых архетипов (на материале русского и португальского языков). Преподаватель XXI века, (2), 305-320 .

-Дмитриева, Н. М., & Щелгунова, Я. В. (2021). Смысловая наполненность концепта «Печаль» в романе Б. Пастернака «Доктор Живаго». Русская

- Мусатаева, Ш. М. (2022). Моделирование эмоциональных концептов «тоска», «грусть», «печаль», «горе». Вестник Томского государственного университета. Филология, (75), 94-119. <https://doi.org/10.17223/19986645/75/7>
- Ольхова, О. Н. (2019). Особенности колоративной лексики в художественных произведениях Ирины Муравьевой. Филологические науки. Вопросы теории и практики, 12(7), 138-142 .
- Сабинова, Н. А. (2025). Теоретические основы изучения цвета в языке. *Oriental Renaissance: Innovative, educational, natural and social sciences*, 5(4), 18-27. <https://doi.org/10.24412/2181-1784-2025-4-18-27>
- Серов, Н. В. (2004). Цвет культуры: психология, культурология, физиология. Санкт-Петербург: Речь .
- Сироткина, И. В. (2012). Языковые средства создания образности фразеологизмов, выражающих печаль, в русском и английском языках. Филология и искусствоведение. Вестник ЧГПУ, (1), 305-313 .
- Стефанский, Е. Е. (2009). Концептуализация негативных эмоций... Волгоград: Самарская гуманитарная академия .
- Туралина, Н. А., & Ольхова, О. Н. (2013). Образно-цветовое моделирование мира в современной женской прозе. Саарбрюкен: LAP .
- Федоринчик, А. Н. (2019). Оценочно-ценностная составляющая концептов «Грусть», «Печаль» и «Страх» в поэзии литература в контексте современной культуры, (2), 25-32 .
- Дронова, Л. П. (2018). Понятие «тоска / печаль» в русинском языке: историко-ареальные связи. Вестник Российской академии наук, (52), 118-125 .
- Жун, Яо. (2020). Концепты скука, тоска, грусть и печаль в языковом сознании современной молодёжи. *Неофилология*, 6(24), 737-745 .
- Зубченко, В. В. (2025). Эмотивные функции цветообозначений в пейзажных зарисовках М. А. Волошина. Филологические науки. Вопросы теории и практики, 18(5), 1937-1945 .
- Колесов, В. В. (2017). Грусть-тоска в русском языковом сознании. *Мир русского слова*, (3), 5-13 .
- Кочетова, И. В. (2010). Цветовая символика как отражение творческого метода А. Белого и его метаязыкового сознания. Вестник КемГУ, (2(42)), 103-107 .
- Кошеренкова, О. В. (2015). Символика цвета в культуре. *Аналитика культурологии*, (3), 156-162 .
- Крестовская, К. А. (2006). Целебные силы цвета, или Цветотерапия в нашей жизни. Ростов-на-Дону: Феникс .
- Кузьмин, В. Г. (2021). Двухуровневость восприятия и модусы цвета. Контрастность и дополнительность цветов. *Философская мысль*, (10), 11-21. <https://doi.org/10.25136/2409-8728.2021.10.36597>
- Люшер, М. (2002). Цветовой тест Люшера. Москва: Смысл. (с. 3-8) .

фразеологической системе русского и грузинского языков. Том 7(4), 40-45 .

-Шачнев, А. В. (2021). Психология цвета в печатной рекламе. Наука, образование и культура. Психологические науки, 50 -51 .

-Шмелёв, А. Д. (2014). Грусть и печаль: сходства и различия. Русская речь, (1), 44-51 .

- Шафаги Марьям. Семантическое поле экспрессивов, обозначающих печальные эмоциональные состояния. Исследовательский журнал русского языка и литературы. (Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literatury), Т. 13, № 2, 2025, с. 131-148.

Б. Пастернака и В. Брюсова. В Русский язык: система и функционирование: материалы VIII Междунар. науч. конф., Минск, 16-17 окт. 2019 г., 118-122 .

-Флоренский, П. А. (1993). Избранные труды по искусству. Санкт-Петербург: Мифрил; Русская книга .

-Харитончик З.А. (2023) . Семантические сокровища русского слова. Исследовательский журнал русского языка и литературы. Vol. 11, Issue 2, с.: 107-125.

-Хитарова, И. Ю. (2022). Цвет, язык, культура. Международный журнал гуманитарных и естественных наук, 7-2(70), 42-44 .

-Церцвадзе, М. Г. (2022). Отражение концепта «печаль» в лексико-грусть-тоска в русском языковом сознанииⁱ
Национальный корпус русского языка: ⁱⁱ
<https://ruscorpora.ru/>
Л.В. Чесноковаⁱⁱⁱ
В.В. Колесов^{iv}
русская душа^v
Т.И. Вендина^{vi}

Цветопись^{vii}
П. А. Флоренский^{viii}
Б. Пастернак^{ix}
В. Брюсова^x
Е.Е. Стефанский^{xi}
Ирина Муравьева^{xii}